



پیرامون سخنان اخیر خاتمی در نشست مطبوعاتی

که می تواند جامعه را به "آشوب" و "تشنج" بکشد می گرفت و خلاصه تدابیری می اندیشید و راه حلی برای شرایط موجود ارائه می داد. اما همانطور که انتظار می رفت، مجموعه سخنان آقای خاتمی در این نشست خبری که با بیهودگی مفرطی همراه بود، طبق معمول در چارچوب های کلی و همیشگی خود باقی ماند و هیچ نکته تازه ای در بر نداشت. او با تاکید مکرر و بیش از حد بر چارچوب های شرع و قانون اساسی و اجرای آن، سعی کرد تمام چشم دوختگان به معجزات و تصمیمات رییس جمهور راضی نگه دارد و هیچ یک از سران و طرف داران نظام را از خود نرنجاند. معهذ از میان مجموعه سخنان تکراری و بی ربطی که از فرط تکرار و بیهودگی، جز معدودی از هوا خواهان وی، واقعا کسی مگر به قصد نفی و نقد، بدان اعتنا و توجهی نمی کند، به طور گذرا می

روز چهارشنبه ششم شهریور ماه، محمد خاتمی، رییس جمهوری اسلامی در یک نشست خبری شرکت نمود و به پرسش خبرنگاران پاسخ گفت. این نشست مطبوعاتی که بر متن یک بحران حاد سیاسی و اوضاع سیاسی جاری جامعه که یکی از مشخصه های اصلی آن تشدید بیش از پیش فشار و اختناق و سرکوب است، برگزار گردید. در شرایط و در فضایی که دستگیری و سرکوب کارگران و انتقاد کنندگان تشدید شده و چندین روزنامه و نشریه تعطیل و توقیف شده است، در شرایطی که نویسندگان و روزنامه نگاران دستگیر و حبس می شوند و بازداشتها و محاکمات دستگاه قضایی بیش از پیش دامن طرفداران آقای خاتمی رانیز گرفته است، آقای رییس جمهور، تحت فشار طرفداران خویش، سرانجام باید سکوت تایید آمیز خویش را می شکست، دست به کاری می زد و جلوی افراط گری های جناح مقابل را

(اجلاس زمین برای توسعه پایدار)

و ناسازگاری سرمایه داری با حفاظت از محیط زیست

ده سال پس از اجلاس ریودوژانیرو در برزیل، سازمان ملل متحد از ۴ تا ۱۳ شهریور ۱۳۸۱ اقدام به برپایی همایشی به نام "کنفرانس جهانی زمین برای توسعه پایدار" در ژوفا-نسبورگ آفریقای جنوبی نمود. در حالی که صد و نه رییس دولت می بایستی در روز ۱۱ شهریور در این نشست حضور می یافتند، سازمان ملل متحد محل کنفرانس را موقتا یک مکان جهانی اعلام نمود. پیرامون محل اجلاس با دیوارهای فولادی و بتونی، هشت هزار نیروی پلیس، سگان دست آموز این نیروها، دستگاههای فلزیاب و چندین خود روی زره پوش آنها محاصره شده بود. اما نام گذاری این همایش به عنوان "توسعه پایدار" چیزی به جز یک اسم رمز نبود و در واقع زمامداران جهانی سازی نئو لیبرالی این بار با همدستی یاران و نخبگان محلی - شان در پشت پرده آن پنهان شده بودند. یاران و نخبگان محلی که فقط به انباشتن سودهای به دست آمده از سرمایه گذاریهای می اندیشند که علاوه بر افزودن بر قروض خارجی کشورهای آفریقایی، زیرساخت های پرهزینه و ناسودمندی رادر چارچوب جهانی سازی هرچه بیشتر سرمایه داری برای این قاره بهارمغان آورده اند. نمونه یورش جدید نظام سرمایه داری به آفریقا را می توان در یک برنامه لیبرالی به نام "همکاری نوین برای توسعه آفریقا" مشاهده نمود. به اصطلاح همکاران این پروژه جدید نهادهایی مانند کشورهای گروه هشت، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی اند که پیش از کنفرانس اخیر نیز نشان داده اند که به آن چه نمی اندیشند مبارزه با فقر و حفاظت از محیط زیست است. آیا پیش از کنفرانس ژوفا-نسبورگ کنفرانس دوربان برای جبران خسارت از فرزندان بردگان تبعیدی بر پا نشد؟ آیا سازمان ملل متحد برای تغذیه و کشاورزی کنفرانسی در رم برگزار نکرد تا موضوع بارانه ها به صادرات کشاورزی بررسی شود؟ آیا در مونترال کنفرانسی برای تامین مالی توسعه انجام نشد؟ آیا در کیوتو پیمانی برای جلوگیری از نشر گازهای گلخانه ای امضاء نشد؟ و آیا در کنفرانس ده سال پیش ریودوژانیرو قطعنامه های پرطمطراق برای مبارزه با فقر و حفاظت از محیط زیست امضاء نگردید؟ نتایج دو نشست ریودوژانیرو در ۱۹۹۲ و

صفحه ۳

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۳)

کارگر بود. این نشریه در سال ۱۸۹۱ آغاز به کار کرد و به مدت ۲۵ سال به سر دبیری کلارا زتکین منتشر شد. زتکین که همواره بر ضرورت وحدت کامل سیاسی و سازمانی جنبش سوسیالیستی تاکید داشت، معتقد بود که برای مخاطبین خاص، باید تبلیغات سوسیالیستی ویژه صورت گیرد. از همین رو وی در نامه ای به همزرم هلندی اش "هلن آنکر اسمیت" در ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۳ نوشت: "اگر قرار باشد زنان جذب سوسیالیسم شوند، ما به طرق ابزارها و روش های ویژه ای برای این کار نیازمندیم. اگر آنهايي که بيدار

در شماره قبل به نظرات زتکین در برخورد با فمینیسم بورژوايي اشاره شد. بخش بعدی کتاب "مبارزه طبقاتی و رهائی زنان" به معرفی نشریه "برابری" به سر دبیری کلارا زتکین اختصاص دارد.

نشریه برابری

یکی از مهم ترین وسایل آموزش و سازمان دهی زنان در آلمان، نشریه زنان موسوم به "برابری" بود که هر دو هفته یک بار منتشر می شد و شعار آن "در دفاع از منافع زنان

صفحه ۲

در این شماره

- ۸ بحران هایی که ناشی از (آزاد بودن) مردم اند!
- ۷ مخالفت بین المللی با جنگ افروزی جدید آمریکا
- ۷ جمهوری اسلامی و خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل

یادداشت های سیاسی

- ۵ گزارش مراسم یادمان جان باختگان قتل عام ۶۷ - آمستردام
- ۴ اخبار کارگری جهان

صفحه ۲

«اجلاس زمین برای توسعه پایدار» و ناسازگاری سرمایه داری با حفاظت از محیط زیست

کیوتو در سال ۱۹۹۷ را اندکی بررسی کنیم. از ده سال پیش بدین سو انتشار گاز کربنیک ده درصد افزایش یافته است. ایالات متحده آمریکایه تنهایی بیست درصد بیشتر از ده سال پیش گاز کربنیک به آسمان می فرستد. تمام گزارش‌های رسمی همین سازمان ملل متحد از ده سال پیش بدین سو نشان می‌دهد که نه فقط با فقر مبارزه‌ای جدی نشده بلکه در تمام نقاط جهان فقر و کاهش سطح زندگی مردم بیشتر از پیش شده است. شواهد موجود نشان از آن دارند که کنفرانس ژوهانسبورگ هم دست آوردی به دنبال نخواهد داشت. زیرا این کنفرانس نیز زیر نظر و سلطه انحصارات بزرگ امپریالیستی مانند شل (کمپانی نفتی) و ریو تینتو (یک انحصار انگلیسی-آمریکایی فعال در بخش معادن) انجام گرفته است که حتی مستقیماً در تدارکش در بالای نقش داشته اند.

آثار و علانم شکست کنفرانس ژوهانسبورگ چه پیش و چه در طی کنفرانس مشهود بود. آقای جوزف استیک لیتز که به عنوان رییس سابق اقتصاددانان بانک جهانی جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرده در کتابی به نام "توهم زدایی بزرگ" که اخیراً به طبع رسیده است، می‌نویسد: "امروز جهانی سازی نه به دردمردم فقیر جهان می‌خورد، نه برای حفاظت از محیط زیست است و نه به کارتحکیم اقتصاد جهانی می‌آید." خبرگزاری فرانس پرس در خبری که در پایان پنجمین روز کنفرانس ژوهانسبورگ منتشر نمود، آورده است که "مذاکرات پنج روز اول بی نتیجه" بوده‌اند. یک شیلیایی به نام مانوئل باکه دانو که ریاست انستیتو اکولوژی سیاسی در سانتیاگو را به عهده دارد در مصاحبه‌ای با خبرنگار اعزامی روزنامه فرانسوی اومانیتیه به ژوها - نیسبورگ گفت: "غیرممکن است که از حفاظت از زمین و در عین حال تبلیغ برای سرمایه داری حرف زد. زیرا این دو مقولاتی متضاد هستند. اگر واقعا ما خواهان <توسعه پایدار> هستیم، باید نظام اقتصادی و اجتماعی را عوض کنیم. واژه‌های توسعه پایدار فقط برای بزرگ کردن سرمایه داری آورده شده است. زیرا به آن چهره‌ای سبز - محیط‌زیستی - می‌دهد."

واقعیات همین چند سال گذشته، به ویژه از کنفرانس ریودوژانیرو بدین سو، درستی تحلیل باکه دانو را اثبات می‌کند. سازمان ملل متحد و ادار شد تا اعتراف کند که اگر یک فکر اساسی برای منبع آب زمین نگردد، که برای سرمایه داری مانند هر "گالایی" دیگری است و بیش از پیش خصوصی سازی می‌شود، بیست و پنج سال دیگر نیمی از جمعیت جهان به اندازه کافی آب نخواهد داشت. هم اکنون نیز یک میلیارد انسان به منابع آبی مناسب دسترسی ندارند. در حالی که پیمان امضاء شده در کیوتو پیش بینی کرده بود که انتشار گاز کربنیک تا سال ۲۰۱۲ میلادی پنج درصد تقلیل یابد، کشور - های بزرگ سرمایه‌داری از این پیمان هم

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۳)

می‌شوند و به پامی‌خیزند، باید در مکتب کار و مبارزه در راه سوسیالیسم، عملاً و نظراً آموزش ببینند، آن گاه ما باید سازمان‌ها و ترتیبات ویژه‌ای برای آنها در نظر بگیریم. . . . مابدون دست‌زدن به اقدامات ویژه‌ای که نیروی محرکه و اجرایی آن عمدتاً زنانند، موفق نخواهیم شد. (سوسال دمکراسی و رهایی زنان - اوآن، صفحه ۲۶۵)

زتکین درک و برداشت خود را از وظایف "برابری" در یادداشت سردبیر نشریه خطاب به خوانندگان مطرح نمود که در سراسر دهه ۹۰، در آغاز هر سال با اندکی تغییر، انتشار می‌یافت: "برابری" به ویژه پیشروترین اعضاء طبقه کارگر را مورد خطاب قرار می‌دهد خواه آنها که کاریدی می‌کنند و برده سرمایه‌اند و خواه آنها که کارفکری. "برابری" تلاش می‌کند آنها را از جهت نظری آموزش دهد تا درک روشنی از مسیر تاریخی تحولات به دست آورند و قادر شوند که نه تنها آگاهانه برای رهایی طبقه کارگر نبرد کنند، بلکه در روشن‌گری و آموزش رفقای هم طبقه خود و پرورش آنها به عنوان رزمندگانی که به هدف خود آگاه هستند، نقش موثری ایفا نمایند. (نشریه برابری - ۵ ژانویه ۱۸۹۸)

زتکین بر این عقیده بود که "برابری" نشریه سخنگویان آگاه و بیدار زنان است. از این رو نشریه‌ای در سطح توده زنان نبود بلکه اساساً نشریه زنان پیشرو بود (Lion - ص ۹۳)

بخش اعظم نشریه "برابری" به تشریح وضعیت کار در صنایع نساجی، پوشاک، تولید مواد غذایی، حرفه صحافی، صنایع خانگی و در تمام دیگر شاخه‌های اقتصاد که به ویژه زنان در آنها فعال بودند، اختصاص داشت. اطلاعات مفصلی در مورد قوانین کارخانه ارائه می‌شد تا زنان به کمک آنها بتوانند به طور کامل از آنها در حمایت خود بهره‌برداری کنند و هر چند جزئی، وضعیت خود را بهبود بخشند. اعتراضات و ناآرامی در میان زنان کارگر در آلمان و در سایر کشورها همواره در نشریه انعکاس وسیع‌تر و برجسته‌تری می‌یافت. در نخستین سالهای حیات این نشریه، زتکین نه تنها ویراستار بلکه عمده مقالات آن را نیز به رشته تحریر در می‌آورد. در طی ۱۴ سال نخست، تیراژ نشریه گرچه به تدریج سیر صعودی داشت و از ۲۰۰۰ نسخه در ۱۸۹۱، به ۱۱۰۰۰ در سال‌های ۴-۱۹۰۳ افزایش یافته بود، اما محدود بود. تیراژ نشریه به نسبت توسعه جنبش زنان سوسیالیست به سرعت تغییر یافت و در سال ۱۹۰۷ به ۷۵۰۰۰ رسید (Lion - ص ۱۵۵) و "فردریک" جنبش زنان آلمان ص ۴۳۳)

در سال ۱۹۰۴، توزیع رایگان نشریه "برابری" در میان اعضای زن جنبش سوسیالیستی و همسران اعضای مرد SPD آغاز شد. این علت عمده افزایش وسیع تیراژ نشریه از ۱۱۰۰۰ در سالهای ۴-۱۹۰۳ به ۴۴۰۰۰ در سالهای

به نفع خود سود جستند. زیرا در لایه‌های این پیمان چنین نوشتند که می‌توان "حق انتشار" گاز کربنیک را خرید؛ مثلاً یک کارخانه صنعتی در فرانسه، آلمان یا ژاپن که می‌بایستی بر طبق پیمان کیوتو پنج درصد کمتر هوا را آلوده کند، می‌تواند بر طبق همین پیمان حق نشر گاز کربنیک را از یک کارخانه در جهان سوم خریداری کند؛ کارخانه‌ای که عمدتاً دیگر "تمیز" شده، زیرا آن را بسته‌اند!! هم اکنون روسیه که از ده سال پیش بدین سو با فرو - پاشی صنعتی نیز مواجه گشته، یکی از بزرگ‌ترین فروشندگان حق انتشار گاز کربنیک است! به نظر می‌رسد که برگزار کنندگان تظاهرات هزاران نفره روز شنبه ۹ شهریور در ژوها - نیسبورگ به خوبی بر تمام واقعیات بالا واقفند. این تظاهرکنندگان که از سازمانهای مختلف ضد جهانی سازی سرمایه‌داری و اتحادیه‌های کارگری می‌آمدند به طور نمادین از حزب آباد - های الکساندر در شمال ژوهانسبورگ حرکت کردند و خود رابه محله ثروتمند اجلاس زمین برای توسعه پایدار واقع در ساندتون رساندند. آنان "اپارتاید جهانی" را افساء نموده و بر پارچه‌های خود نوشته بودند: "مردم متحد شکست ناپذیرند" یا "قدرت؟... مال ماست" یکی از شرکت کنندگان وقتی به محله ساندتون ژوهانسبورگ رسید، فریاد برکشید: "به جنگها پایان دهید. از حلقوم ثروتمندان بیرون بکشید و به فقیران یاری رسانید." یک شرکت کننده دیگر هم بر پلاکاردی نوشته بود: جرج بوش، تکراسی مسموم کننده، یک تظاهر کننده به خبرنگار آسوشیتد پرس گفت: "ما زمین می‌خواهیم. ما به خانه نیاز داریم، در اجلاس ریودوژانیرو گفته شد که همه چیز تغییر خواهد کرد. اما من از ده سال پیش تا کنون هیچ تحولی را ندیده‌ام." برخی از تظاهر کنندگان در همبستگی با مبارزات مردم فلسطین علیه صهیونیسم و در اعتراض به اجلاس ژوهانسبورگ خواهان "جهانی سازی انتفاضه" شدند. در همین تظاهرات یک آمریکایی به نام مایکل برون که از یک سازمان غیر دولتی به نام شبکه رین فورست اکشن آمده بود، چنین گفت: "این اجلاس را اهداف و منافع انحصارات منحرف کرده‌اند."

آری همایش‌هایی مانند کنفرانس جهانی ژوهانسبورگ نه راه گشایی "توسعه پایدار" خواهند بود و نه می‌توانند راه کارهایی برای حفاظت از محیط زیست ارائه دهند. زیرا سرمایه داری بر اساس ماهیتش خواهان مبارزه با فقر نیست و قادر نیست یک زندگی را در شان انسان‌ها ضمانت کند و حافظ محیط زیست باشد. بخش بزرگی از انرژی‌های مصرف شده در جهان سرمایه‌داری برای رفع نیازهای مردم نیست و در صنایعی مانند اسلحه سازی، تبلیغات تجاری و کالاهایی با سودمندی کم به هدر می‌رود. بحران زیست محیطی منشایی به جز الگوی توسعه سرمایه‌داری ندارد. تنها الگویی که می‌تواند دارای اهداف روشن برای استفاده‌های عقلایی از منابع و ذخایر در جهت رفع نیازمندی - یهای بشر باشد، اقتصاد برنامه ریزی شده سوسیالیستی است. تولید سوسیالیستی فقط به رفع نیازهای مردم می‌انديشد و از تولید انبوه که منجر به مصرف انبوه ذخایر انرژی می‌شود، اجتناب می‌کند. مبارزه جدی با فقر و حفاظت از محیط زیست با برچیدن نظم کهنه سرمایه داری و استقرار نظم نوین سوسیالیستی گره خورده است.

پیرامون سخنان اخیر خاتمی در نشست مطبوعاتی

توان به چند نکته اشاره کرد.

یکی از مهمترین محورهای حرف‌های خاتمی، این‌شکوه بود که رییس‌جمهور که مسئول اجرای قانون اساسی است، برای "اجرا و اعمال" این مسئولیت، از اختیارات و قدرت کافی برخوردار نیست، او گفت که سه سال پیش نیز این مسئله را در حضور حقوق دانان اعلام نموده و اظهار تاسف نمود از اینکه در این مدت هیچ تغییری به نفع وی در این زمینه صورت نگرفته و حتی اخیراً تلاش‌هایی نیز به عمل می‌آید که "حق مسلم رییس‌جمهور" به "تذکر در مورد نقض قانون اساسی" هم مورد تردید قرار بگیرد!

معهدا علی‌رغم این شکوه با سابقه و برای از میان برداشتن این معضل، تمام تلاش و هنر آقای رییس‌جمهور برای کسب اختیار و قدرت بیشتر، تاکنون و در عمل به این خلاصه شد که بگوید "به همین زودی لایحه ای را تنظیم و به مجلس ارائه خواهد داد تا بتواند با قدرت بیشتر عمل کند!"

محور مهم دیگر سخنان خاتمی ارائه نکاتی پیرامون آزادی‌های سیاسی، "حقوق" و "مشارکت مردم" و "مردم سالاری" بود. وی تأکید نمود که در این زمینه‌ها هیچ چیز بیشتر از آنچه که در قانون اساسی آمده است، نمی‌خواهد. او در عین حال "میدان بروز" مردم سالاری و "حق مشارکت مردم را انتخابات" دانست و گفت هرچه زمینه حضور مردم و قدرت انتخاب مردم را بالاتر ببریم، بیشتر به "امنیت" ثبات و نجات کشور کمک کرده‌ایم. آقای خاتمی در همان حال که عنوان نمود که نباید گذاشت با اعمال سلیقه، زمینه‌های محدود کردن حقوق مردم بیشتر شود، با ذکر این نکته که "حداقل می‌توان به دوران امام برگشت" الگوی مورد نظر خود را از شرایط و آزادی‌های سیاسی در جمهوری اسلامی و به‌زعم خود، "سقف حقوق مردم" در این نظام را نیز ترسیم نمود. در عین حال برای محکم کاری و در اثبات خالی نبودن کارنامه خویش در زمینه دفاع از "حقوق مردم" چنین اضافه کرد که "به لطف خداوند" لایحه اصلاح (قانون) انتخابات هم به مجلس ارائه شده است!

بدین وسیله آقای خاتمی بعد از مدتها سکوت، باین تدبیرهای پوچ و مسخره به میدان آمد و چنین بشارت داد که با ارائه لایحه اصلاح قانون انتخابات به مجلس و لایحه دیگری در زمینه حدود اختیارات رئیس‌جمهوری که به زودی به مجلس ارائه خواهد کرد، "حقوق مردم" تأمین و مشکلات آنان حل خواهد شد! هرکس که یک آشنایی مختصری با معیارها و موازین حقوقی و قانونی در حکومت اسلامی و رژیم ولایت فقیه داشته باشد، می‌داند که تمام این حرف‌ها، مزخرفاتی بیش نیستند. عملکرد دوره اول و همین مدت از دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، مستدل‌تر و محکم‌تر از هزاران شعار و وعده توخالی، حد و حدود "حقوق مردم" و ماهیت واقعی اقدامات جبهه دوم خرداد و اصلاحات در چارچوب نظام جمهوری اسلامی را بر همگان آشکار ساخته است و البته که اکثریت عظیم مردم زحمت کش، هیچگونه توهمی نسبت به این حرف‌های پوچ ندارند! معهدا تا آنجا که مسئله به

و لگد مال شده است، مردمی که هنوز جنایات دوره حیات خمینی و نقش شخص وی در صدور فرمان قتل عام هزاران زندانی سیاسی که هم اکنون چهاردهمین سالگشت آن را سپری می‌کنیم، فراموش نساخته‌اند، مدت‌هاست ماهیت این وعده‌ها و فریبکاری‌ها را شناخته‌اند و از انجام اصلاحات در چارچوب نظم موجود به نفع خویش سلب امید کرده‌اند. این مردم زحمتکش و به جان آمده را که به کمتر از نابودی کل نظام رضایت نمی‌دهند، بی‌تردید نمی‌توان با این کوشش‌های عوام‌فریبانه‌ی دیرهنگام و عبث، و با این جرح و تعدیل‌های قانونی در چارچوب نظام خاموش ساخت!

استقبال رسالتی‌ها از سخنان خاتمی

آقای خاتمی در انتهای سخنان خود به یک مسئله بسیار مهم دیگر هم اشاره نمود و بار دیگر به این مسئله اعتراف کرد که تمام کوشش و هم و غم او، "حفظ نظم" موجود و "امنیت" سرمایه‌داران است. او تصریح نمود که یکی از اصول و معیارهای ایشان حفظ آرامش و به‌هم نخوردن نظم اجتماعی موجود است، و از همین زاویه با پروژه خروج از حاکمیت هواخواهان خویش و یا هر شیوه دیگری که جامعه رابه "تشنج" بکشاند مخالفت ورزید و خطابش به هواخواهان جناح‌های حکومتی این بود که "همه باید بکوشیم تا مردم دچار یاس نشوند و خدای نخواستہ راه برآورده شدن نیازهای تاریخی خود را در خارج از نظام نجویند!"

نکته جالب توجه استقبال افراد "واقع بین" جناح خامنه‌ای از این سخنان بود. برای نمونه امیر محبیبان عضو شورای سر دبیری روزنامه رسالت در گفتگو با خبرنگاری ایستا، سخنان خاتمی را از "هر نظر"، "خوب" و "مثبت" خواند و حتی در مورد اختیارات ریاست جمهوری با وجود آنکه آن را یک بحث کارشناسانه نامید، اما "نیت" خاتمی از این بحث را نیز "درست" دانست و خلاصه خطاب به جناح خویش، "جناح منتقد دولت" (!؟)

گفت که باید همه توان خود را در جهت یاری رسانی به خاتمی بسیج کند! این قلم زن رسالتی، حتی پارا از این هم فراتر گذاشت و با اشاره به سطح توقعات درجبهه مشارکت که از خاتمی حمایت می‌کند، چنین گفت که بایستی آنان را در "توجیه عقلانی رفتارهای خاتمی" کمک نمود و از تشدید بحران در این جبهه و فروپاشی آن جلوگیری نمود! نامبرده در توجیه عقب نشینی‌های مداوم رییس‌جمهور و جناح وی گفت، "حرکت خاتمی در جهت اصلاح جریان اصلاحات بوده است تا اصلاحات را به خواست‌های واقعی مردم نزدیک کند!"

این سخنان و طرف‌داری سفت و سخت عضو شورای سردبیری رسالت وابسته به جناح خامنه‌ای که در مقطع روی کار آمدن خاتمی از مخالفین سرسخت وی به حساب می‌آمد، نه فقط نشانه عقب نشینی مداوم خاتمی در برابر جناح رقیب و تأیید و مشارکت در تمامی اقدامات جنایتکارانه و تشدید جو خفقان و سرکوب در جامعه است، بلکه مهم‌تر

هواخواهان و طرفداران خاتمی برمی‌گردد، این موضوع حتی آنان را نیز قانع نخواهد کرد. به راستی مگر تاکنون چندین بار موضوع اصلاح قانون انتخابات و با حدود اختیارات شورای نگهبان و مسئله نظارت استصوابی و امثال آن، در محافل دوم خردادی در مجلس و بیرون مجلس مطرح نشده است؟ واقعا تا چه حد طرح این مباحث جدی بوده و نتیجه آن چه بوده است؟ مگر در سال‌های اولیه روی کار آمدن خاتمی، زمانی که هنوز از شکست افتتاح‌آمیز جناح خامنه‌ای مدت زیادی نمی‌گذشت و به یمن آرایبی که در مخالفت با این جناح، به نفع خاتمی به صندوق‌ها ریخته شده بود و توازن قوا به نفع جناح وی بهم خورده بود، این تجربه در مورد قانون مطبوعات به مرحله آزمون در نیامد؟ مگر این موضوع فراموش شده است که در آن مقطع، پس از آن که اصلاح قانون مطبوعات توسط طرفداران خاتمی در مجلس مطرح شد، خامنه‌ای با ارسال یک امریه که فقط در چند سطر تنظیم شده بود، آنهم در اوج قدرت جناح آقای خاتمی، تغییر قانون مطبوعات را "غیرمشروع" و به زیان نظام خواند و این نقشه رانفتش برآب کرد و طرح مربوطه را با لکل از دستور کار مجلس خارج ساخت؟ و مگر بعد از آن کروی رییس مجلس نیز این اقدام "ولی‌امر" را یک حکم حکومتی و امری "قانونی" خواند؟ مگر تهیه و تنظیم لایحه ای توسط دولت در مورد تعریف "جرم سیاسی" که مورد استفسار شورای نگهبان قرار گرفت که دولت اصولاً حق تدوین چنین لایحه ای را ندارد و شخص خاتمی نیز در همین نشست مطبوعاتی به آن اشاره کرده است و گفته است که از آنجا که "اهل قانون" است، آن را پذیرفته است، تأییدی بر این مسئله نیست که مجلس بدون شورای نگهبان منتخب ولی فقیه، هیچ‌کاره است؟ و اصولاً مگر این مسئله مکرر اثبات و از زبان مراجع و مقامات حقوقی جمهوری اسلامی تکرار نشده است که قوای سه‌گانه، منجمله مجلس، زیر نظر ولایت فقیه است؟ مگر بارها گفته نشده است که شرعا و قانوناً حکم ولی امر مسلمین بالاتر از تصمیم و نظر مجلس، رییس‌جمهور و یا هر مرجع دیگری می‌باشد؟

از این‌ها گذشته، قانون انتخابات مثل سایر قوانین جمهوری اسلامی قانونی ارتجاعی است که در آن حقوق اولیه مردم ایران آشکارا نقض و پایمال شده است و بدون شک، حکم و اصلاح آن، هیچ تغییری در ماهیت آن ایجاد نمی‌کند. در حکومتی که انتخابات، انتخابات خوانده می‌شود، قوانین معطوف به آن نیز تماماً ارتجاعی، مغایر آراء و نظر مردم و نقض‌کننده حقوق دموکراتیک آنها - ست. رییس‌جمهور نیز در چنین نظامی، خواه با اختیارات کمتر، خواه بیشتر، مجری و مسئول پیشبرد همین قوانین است.

پیهوده نیست که نهایت آرزو و سقف خواست آقای رییس‌جمهور بازگشت به دوران خمینی است! حال آنکه هیچ‌یک از این مزخرفات، ربطی به آماج‌های مردم ایران ندارند. مردمی که در سراسر دوران حکومت اسلامی کشتار و جنایات فجیع این رژیم را شاهد بوده‌اند و حقوق اولیه آنان به خشن‌ترین شکلی نقض

اخبار کارگری جهان

نگاهی به مبارزات کارگران در ماههای اخیر

مبارزات کارگران جهان در ماه های اخیر برای بهبود شرایط کار و زندگی خود همچون گذشته ادامه داشت و در هر گوشه جهان سلاح اعتصاب به مثابه یکی از موثرترین اشکال مبارزه طبقه کارگر برای به عقب راندن سرمایه داران مورد استفاده قرار گرفت. در زیر نگاهی به گوشه های از این مبارزات می اندازیم.

* کره جنوبی

از اواسط ماه می، هزاران کارگر در کارخانه Changwon، که یکی از دهها کارخانه مجتمع صنعتی Doosan است، در اعتصاب به سر می برند. این اعتراض کارگران به دلیل مخالفت مدیریت کارخانه با افزایش دستمزد - ها انجام گرفت و عکس العمل مدیران کارخانه نیز بازداشت فعالین کارگری و اعمال تضيیقات بیشتر به دیگر کارگران بود. در این مدت، کارگران روزانه در مقابل درب های ورودی کارخانه تجمع کرده و از خروج کالاها جلوگیری نمودند. در اوایل ماه ژوئیه، اعتصابیون با خبر شدند که صاحبان این مجتمع عظیم تصمیم گرفته اند که بخشی از کالاهای تولید شده را به طور مخفیانه از کارخانه خارج سازند. این امر خشم کارگران را برانگیخته و هزاران کارگر به فوریت به سمت دره های ورودی این کارخانه حمله کرده و تلاش نمودند که از این امر جلوگیری نمایند. هنوز دقیقی از آغاز این حرکت نگذشته بود که صدها مامور تاندان مسلح پلیس ضد شورش محوطه کارخانه را محاصره نموده و خود را آماده حمله به کارگران اعتصابی نمودند. حضور نیروهای سرکوبگر بخش کارگران دامن زده و دو خورد - های پراکنده ای بین اعتصابیون و ماموران پلیس در گرفت. اعتصاب کارگران کارخانه Changwon، به سرعت به بخش های دیگر گسترش یافت و درگام نخست چند کارخانه بزرگ کشتی سازی، که بخشی از قطعات اصلی خود را از این کارخانه در یافت می کنند، مجبور به تعطیل کارهای خود شدند. به رغم فشار طاقت فرسا، کارگران اعتصابی تا اواخر ماه ژوئن به اعتصاب خود ادامه دادند و سرانجام صاحبان مجتمع صنعتی Doosan را وادار نمودند با افزایش دستمزد - های کارگران موافقت نمایند.

زمانی که در اواسط ماه ژوئن، مذاکرات نمایندگان بیش از ۳۶ هزار نفر از کارگران کارخانه اتومبیل سازی Hyundai با نمایندگان کارفرما پیرامون تجدید قرار داد های دستجمعی با بن بست روبرو شد، تمامی کارگران این کارخانه اعلام نمودند که تا قبول خواسته های خود دست به یکرشته اعتصابات زنجیره ای خواهند زد. خواسته های کارگران افزون بر افزایش دستمزدها متناسب با میزان نرخ تورم، افزایش حق بازنشستگی و عدم دخالت کارفرما در امور صندوق اعتصاب کارگران بود. سرمایه داران

در آغاز تصمیم داشتند تا با خواسته های کارگران مخالفت نمایند. اما عزم جزم کارگران و مبارزه جوی آنها، سرانجام کارفرما را وادار نمود تا به دعوت از نمایندگان کارگران دور جدیدی از مذاکرات را آغاز نمایند. پس از گذشت دو هفته، مذاکرات مربوطه به تجدید قراردادهای دستجمعی با موفقیت نسبی کارگران به پایان رسیده و کارها از اوایل ماه ژوئیه از سر گرفته شد.

* ایتالیا

روزهای گرم تابستان نیز شاهد مبارزات کارگران ایتالیا برای بهبود شرایط کار و زیست خود بود. در اواسط ماه ژوئن، رانندگان وسایط نقلیه شهری اعلام نمودند که برای افزایش دستمزد های خود متناسب با نرخ تورم دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته خواهند زد. این اعتصاب در شهرهای مختلف و در ساعتهای متفاوت برگزار شده و در طی آن بزرگترین شهر های ایتالیا، از جمله رم، میلان، ناپل و فلورانس شاهد توقف کامل زندگی روزمره شد. همزمان با این اعتصاب، کارگران راه آهن اعلام نمودند که روز بعد از این اعتصاب، آنها دست از کار کشیده و دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته خواهند زد. هنوز وضعیت رفت و آمد میلیونها مسافر در سطح شهرها به حالت عادی بازنگشته بود که این بار جابجایی میلیونها نفر بین شهرهای مختلف متوقف شد. صدها قطار مسافربری و باری در این روز از حرکت باز ایستادند و کارگران خواستار افزایش فوری دستمزد های خود به میزان افزایش سالانه نرخ تورم شدند. افزون بر کارگران راه آهن، در همین روز، رانندگان کامیونهای حمل و نقل بار نیز فرصتی یافتند تا اعتراض خود را به تضيیقات اخیر مقامات دولت این کشور نشان دهند. در هفته های اخیر عوارض شاه راه های این کشور به یکباره افزایش یافته و علاوه بر این تعرفه حمل کالا نیز در این کشور دستخوش تغییراتی به زیان رانندگان کامیون شده بود. به همین دلیل رانندگان اعلام نمودند که همزمان با اعتصاب کارگران راه آهن در تمام راههای این کشور با سرعت بسیار کم رانندگی خواهند نمود. این امر باعث توقف کامل تردد میلیونها اتومبیل نه تنها در سراسر خاک ایتالیا بلکه در اغلب کشورهای همسایه با این کشور شد. رانندگان نیز طی این حرکت اعتراضی خواستار کاهش عوارض و تعرفه های حمل بار شدند.

* شورش گرسنگان در اروگوئه

پس از ورشکستگی کامل اقتصادی در آرژانتین، گردباد بحران به کشورهای دیگر رسیده و ضعیف ترین حلقه کشور های آمریکای لاتین را به کام خود کشیده است. در اواخر ماه ژوئیه، زمانی که نخستین نشانه های وخامت اوضاع اقتصادی چهره نمود، دهها هزار نفر از مردم اروگوئه که تجربه آرژانتین را در پیش رو داشتند، به بانکها هجوم بردند و تلاش نمودند که سپرده های خود را از بانک ها بیرون بکشند. همین امر باعث تعطیلی بانک ها به مدت یک هفته شد. در همین میان، دهها هزار نفر از مردم مناطق فقیر نشین پایتخت این کشور، شهر مونتو ویدئو، دست به شورش زدند و همچون آرژانتین، به فروشگاهها و مراکز خرید حمله کردند

و آنها را به آتش کشیدند.

در روزهای دیگر، یک حکومت نظامی در مناطق فقیرنشین شهر برقرار شد. هزاران مامور پلیس و ارتش و دهها هلی کوپتر از هوا گرسنگان را تحت نظر گرفتند و آماده بودند که هرگونه حرکت اعتراضی آنان را به خاک و خون بکشند. با مشاهده وضعیت انفجاری اروگوئه، دولت آمریکا به سرعت پرداخت قرضه های به میزان ۱/۵ میلیارد دلار را به این کشور تصویب نموده و در ظاهر و به اسم کمک به اروگوئه، این کشور را هرچه بیشتر به خود وابسته تر و بدهکارتر نمود. استقراض خارجی تنها راهی است که سرمایه داران برای پاسخ گویی به ورشکستگی اقتصادی خود می شناسند. اما این تنها راه حلی کوتاه مدت است که نمونه آرژانتین نیز آن را نشان داد، بحران های این کشورها عمیق تر و حادثه تر از آن است که استقراض خارجی بتواند کمکی به بهبود اوضاع اقتصادی نماید.

* آلمان

پس از اعتصابات پیروزمند فلز کاران آلمان و تحقق بخشی از خواسته های آنان، نوبت به ۹۵۰ هزار نفر از کارگران ساختمانی آلمان رسید تا به پای میز مذاکره رفته و پیرامون قراردادهای دستجمعی خود در ۲ سال آینده با نمایندگان کارفرمایان به توافق برسند. خواست کارگران در این دور از مذاکرات افزایش دستمزدها در سراسر آلمان به میزان ۴/۵ درصد و افزایش و برابر سازی حداقل دستمزد کارگران ساختمان در دو بخش غربی و شرقی آلمان بود. نمایندگان کارفرمایان از همان ابتدا به بهانه رکود اقتصادی و احتراز از افزایش دستمزدها به بهانه حفظ سطح فعلی اشتغال و جلوگیری از اخراج بخشی از کارگران، تلاش نمودند که از مطرح شدن خواست اصلی کارگران که همان افزایش دستمزدها بود، جلو گیری کنند. اما کارگران ساختمانی که پیروزی فلزکاران را در پیش رو داشته و می دانستند که اکنون زمان مبارزه و تحقق خواسته های شان است، اعلام نمودند که عقب نشینی در کار نیست و تنها چاره سرمایه داران پذیرش خواست کارگران است. مخالفت های نمایندگان سرمایه داران، سرانجام مذاکرات را در اواسط ماه ژوئن به بن بست کشانده و اعتصاب کارگران بلافاصله آغاز شد. درگام نخست بیش از ۳۰ هزار کارگر در منطقه برلین کارها را تعطیل کردند و پس از چند روز نوبت به دهها هزار کارگر منطقه صنعتی روهر رسید که دست به اعتصاب بزنند. پس از یک هفته نمایندگان سرمایه داران وادار شدند که مجدداً کارگران را به پای میز مذاکره دعوت کنند و بالاخره طی یک توافق نسبی بخشی از خواسته های کارگران تحقق یافت. به این ترتیب دستمزد کارگران به میزان ۳/۶٪ افزایش یافت و اختلاف سطح دستمزد ها در دو بخش شرقی و غربی آلمان کاهش بیشتری یافت.

* افزایش بیکاری در اروپا

تعداد بیکاران در ۱۲ کشور اروپایی در طول سال گذشته از ۸ درصد به ۸/۶ درصد افزایش یافت و به این ترتیب اکنون بیش از ۱۴ میلیون نفر از جمعیت فعال این کشورها در صف بیکاران هستند. زنان و جوانان زیر ۲۵ سال اکثریت این بیکاران را تشکیل می دهند. تنها در

اخبار کارگری جهان

طول ماه ژوئن سال جاری بیش از ۱۰ درصد زنان در کشورهای اروپایی بیکار بوده و در همین دوره نرخ بیکاری در میان جوانان زیر ۲۵ سال بالغ بر ۱۷ درصد می‌باشد. در این میان اسپانیا با نرخ بیکاری برابر با ۱۱/۵٪ بالاترین درصد بیکاری را در میان کشورهای بازار واحد اروپا به خود اختصاص داده است.

* تعطیل قطارهای

مسافری در شمال انگلستان

پس از خصوصی سازی بخش وسیعی از شبکه خطوط راه‌آهن انگلستان در طی سالیهای اخیر، شرایط کار و دستمزد هزاران کارگر هر روز بدتر از روز قبل شده است. اخراج سازی وسیع کارگران و افزایش فشار و استثمار بر کارگران شاعل، از اولین دست‌آوردهای این خصوصی سازی ها بوده است. از اوایل سال ۲۰۰۲، موج اعتراضات کارگران راه آهن اوج‌تازه‌ای گرفته و چند اعتصاب ۲۴ ساعته حاصل اعتراضات کارگران در این مدت بوده است. در پی همین اعتراضات نیز بود که در اواسط ماه اوت، کارگران و رانندگان قطار -های شمال انگلستان دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند. روز ۲۱ اوت مجدداً تمامی کارگران و کارکنان راه‌آهن شمال انگلستان دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زده و خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند. تنها چند روز پس از این اعتصاب مجدداً تمامی کارگران و کارکنان همین منطقه از راه آهن انگلستان دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته دیگر زدند. در طول این حرکات اعتراضی، صدها قطار مسافری از حرکت ایستاده و هزاران مسافر در ایستگاههای قطار به انتظار نشستند. کارگران اعلام نمودند که مبارزه برای بهبود شرایط کار و دستمزدها را فراموش نکرده و هم اکنون حرکات اعتراضی دیگری را برای اواخر ماه سپتامبر تدارک می‌بینند.

* اعتصاب کارگران در فرودگاه سیدنی

واقعه ۱۱ سپتامبر در پی خود دهها شرکت عظیم مسافری هوایی را با بحران مرگ و زندگی مواجه نمود و در مدت کوتاهی یکرشته از این شرکت‌ها را به ورشکستگی کشانده و به این ترتیب دهها هزار نفر به صفوف بیکاران پرتاب شدند. در همین اوضاع بود که مدیران خطوط هوایی دولتی استرالیا، Qantas، فرصت را غنیمت شمرده و از کارگران و کارکنان این شرکت خواستند که با انجماد دستمزدهای خود، این شرکت را از سقوط نجات دهند و در مقابل وعده دادند که با بهبود وضعیت اقتصادی، دستمزدها و شرایط کار مجدداً به روال سابق و از طریق قراردادهای دستجمعی با کارگران تعیین گردد. کارگرانی که با خطر اخراج مواجه بودند با این پیشنهاد موافقت کردند و به انتظار بهبودی شرایط اقتصادی این شرکت نشستند. اوایل ماه ژوئیه زمانی که خبر بهبود وضعیت اقتصادی به گوش کارگران رسید آنها یک صدا وعده‌های مدیران را به آنها یادآوری کرده و خواستار افزایش دستمزدهای خود متناسب با نرخ تورم شدند. مخالفت نمایندگان کارفرما با این خواست در مدت کوتاهی کاسه صبر کارگران

را لبریز نموده و اولین نشانه‌های اعتراض و نارضایتی در صفوف کارگران در اوایل ماه اوت رخ نمود که در طی آن تمامی ۶ هزار کارگر و کارمند فرودگاه سیدنی دست به یک اعتصاب ۱۲ ساعته زدند و پروازبیش از ۱۰۰ هواپیما را متوقف ساختند.

امانمایندگان کارفرما همچنان خود را به نادانی زده و بهرغم بهبود وضعیت اقتصادی Qantas، حاضر به مذاکره با کارگران نشدند. این امر دومین حرکت اعتراضی کارگران را در پی داشت که روز ۱۹ اوت و در طی یک اعتصاب ۲۴ ساعته بروز نمود. در این روز نیز تمامی ۶ هزار کارگر و کارمند این شرکت در فرودگاه سیدنی کارها را تعطیل کرده و بیش از ۱۶۵ پرواز را متوقف نمودند. کارفرما هنوز به جدیت اعتراضات کارگران پی نبرده و تصور می‌کند که می‌تواند با مقاومت و مخالفت خود، مبارزات کارگران را درهم بشکند، اما کارگران اعلام نمودند که مبارزات آنها تا تحقق خواسته‌هایشان ادامه خواهد داشت.

* پیروزی کارگران در آفریقای جنوبی

مبارزات بیش از ۱۲۰ هزار کارگر خدمات شهرداری در آفریقای جنوبی در اوایل ماه ژوئیه اوج تازه‌ای گرفت. افزایش افسار گسیخته نرخ تورم اقتصادی هر روز بیش از روز گذشته این کارگران و خانواده‌های آنان را به اعماق سیاه فقر و فلاکت و گرسنگی پرتاب نموده و اضافه کاری نیز نتوانسته دردی از این کارگران درمان نماید. اما با مشاهده بی‌اعتنایی کارفرما، کارگران مبارز به سرعت به‌این واقعیت پی‌بردند که تنها راه تحقق خواسته آنها مبارزه مستقیم و رودرروست. در همین راستا روز ۲ ژوئیه اعتصاب نامحدود بیش از ۱۲۰ هزار کارگر آغاز شد. نمایندگان دولت از جمله اعضای کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی، این حرکت را به شدت محکوم کردند و از اعتصابیون خواستند که به سرعت به سر کارهای خود بازگردند. روز ۹ ژوئیه همزمان با حضور رهبران دولت‌های آفریقای در اولین اجلاس سران "اتحادیه آفریقا" در شهر ژوهانس بورگ، کارگران نیز یک تظاهرات وسیع در مقابل محل برگزاری این نشست انجام دادند. این بار دیگر رییس جمهور آفریقای جنوبی، Thabo Mbeki، خود به صحنه آمده و طی یک سخنرانی تلویزیونی این حرکت را محکوم کرد و خواستار توقف سریع این اعتصاب شد. اما سفره‌های خالی و شکم گرسنه کودکان عزم مبارزه را در میان کارگران چنان جزم نموده بود که تمام تبلیغات دولت نیز نتوانست خللی در آن وارد آورد و مبارزه ادامه یافت. این بار روز ۱۵ ژوئیه حمله وحشیانه نیروهای پلیس به تجمع اعتراضی کارگران و گشودن آتش به روی اعتصابیون یک کشته و دهها زخمی به جای گذاشت. کارگران نیز به دفاع از خود برخاستند و با ماموران سرکوبگر به زدوخورد پرداختند. با تشدید مبارزات کارگران در روزهای آینده و برپایی چند تجمع وسیع، سرانجام نمایندگان کارفرما از تمام مواضع خود عقب نشینی نموده و روز ۲۲ ژوئیه این حرکت یک‌پارچه و مبارزه‌جویانه کارگران با پیروزی کامل به پایان رسید.

گزارش مراسم یادمان

جان باختگان قتل عام ۶۷ - آستردام

روز یک سپتامبر، به مناسبت سالروز کشتار تابستان ۶۷، مراسمی در بزرگداشت خاطره جان باختگان سال ۶۷ برگزار شد. این مراسم از سوی فعالین سازمان ما، کانون زندانیان سیاسی در تبعید سازمان دانشجویان ایرانی - هلند (هوادارچریکهای فدائی خلق ایران) انقلابیون کمونیست و شورا - زنان ایرانی در هلند برگزار گردید.

مراسم با حضور حدود ۱۵۰ تن و به یاد جان باختگان آغاز شد. حضار به پاس مقاومت جان باختگان، یک دقیقه کف زدند. سپس با مروری بر ادبیات زندان، که مجموعه‌ای از خاطرات و کتب مربوط به خاطرات زندانیان سیاسی سابق است، گوشه‌هایی از جنایاتی که در زندانها اعمال شده، تصویر شد. بعد از آن، حمید طباطبایی آهنگساز و پیانیست ساکن آستردام به اجرای قطعاتی با پیانو پرداخت. بخش بعدی برنامه به سخنرانی و شعرخوانی نویسنده و شاعر مبارز نعمت میرزازاده (م. آرم) اختصاص داشت. وی با تامل بر اوضاع و مبارزات توده‌ها و فریب و تزویر جناح‌های مختلف حاکمیت، همگان را به حمایت از مبارزات داخل دعوت نمود و سپس به شعر خوانی پرداخت.

نیمه دوم برنامه به نمایش فیلم "درختی که به خاطر می‌آورد" ساخته مسعود رؤف اختصاص داشت. این فیلم که در فستیوال فیلم‌های مستند مونترال در سال جاری، برنده جایزه شد، مصاحبه‌ای است با چندین زندانی سیاسی که سالها در اسارت‌گاه‌های جمهوری اسلامی به سر برده‌اند و پس از رهایی، هم‌اکنون به‌عنوان پناهنده سیاسی در خارج ایران به سر می‌برند.

* اعتصاب کارگران در ونزوئلا

روز ۲۳ اوت، هزاران کارگر و راننده اتوبوس -های شهری و خطوط مترو در شهر کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. با این اعتصاب، حمل و نقل بیش از یک میلیون مسافر متوقف شد و تمام امور روزمره با اختلال جدی مواجه شدند. کارگران که جانشان از شرایط طاقت فرسا و دستمزدهای ناچیز به لبشان رسیده است، خواهان افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار خود شدند. نمایندگان دولت که مدتها بود به بهانه وخامت اوضاع اقتصادی از تجدید قرار دادهای دستجمعی کارگران طفره و با کش دادن مذاکرات، کارگران را در بلاتکلیفی قرار داده بودند، این بار نیز تلاش کردند که این اعتصاب را به شکست بکشانند. اما آنها پس از گذشت یک روز مقامات دولت اعلام نمودند که حاضر به از سرگیری مذاکرات برای تجدید قراردادهای دستجمعی بوده و با پذیرش فوری بخش زیادی از خواسته‌های کارگران، این اعتصاب خاتمه یافت.

از آن نشان دهنده این واقعیت است که آنان همگی درفکر نجات رژیم اند و در حفظ نظم و امنیت موجود منافع یک سان و مشترکی دارند و برای تامین این منافع همواره دست یکدیگر را فشرده اند و خواهند فشرد!

همین است که هست!

علاوه بر اینها و به رغم همه اینها، آقای ربیب جمهور، هرچند کوشش هایی به عمل آورد تا در برخی زمینه ها که مربوط به شکست اصلاحات، رویگردانی هواداران اصلاحات و امثال آن می شد، به کلی از پاسخگویی فطره رود، اما او مجبور شد به "دل سردی مردم" از اصلاحات، به این که مردم به خواست های خود نرسیده اند، به وجود معضلات معیشتی و اقتصادی و به وجود بیش از ۳ میلیون بیکار که هر ساله صدها هزار نفر به آنان اضافه می شود و هیچ برنامه ای برای تغییر این وضعیت و رفع این معضل ندارد، نیز اعتراف نماید. واقعیت این است که در جمهوری اسلامی قانون و قانون گرایی چیزی جز تن سپردن به وضعیت موجود و تشدید و تداوم سرکوب و استثمار نیست. سلاح قانون گرایی، سلاح زنگ زده ای بیش نیست. اصلاحات سیاسی در چارچوب قوانین و معیارهای حکومت اسلامی، تامین آزادی های سیاسی و حقوق مردم در چارچوب نظام مذهبی حاکم، دروغی بیش نیست و رسالت خاتمی نیز اساسا اثبات همین حقیقت بود. این رسالت اما دیر زمانی است که خاتمه یافته است. خاتمی در عمل به مردم نشان داد که در جمهوری اسلامی نه آزادی های سیاسی معنا و مفهومی دارد، نه انتخابات واقعی و نه اصلاحات! به عبارت دیگر تا جمهوری اسلامی و این نظم هست، همین است که هست و بدتر از این هم خواهد شد! اکثریت مردم ایران، کارگران و زحمتکشان نیز این موضوع را درک کرده اند و از همین روست که تحقق خواسته های خویش را به رغم خواست و تمایل خاتمی، "خارج از این نظام" بخوان در نفی و درهم شکستن این نظام می بینند. جلوی این خواست و اراده تاریخی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان را نمی توان گرفت.

کمک های مالی رسیده

آلمان - هامبورگ	
پویان	۴۰
ایوب ملکی	۵
خاوران	۲۵
مازیار	۶۰
هلند	
رفیق علی اکبر صفائی فراهانی	۱۰۰
بیورو	

مبارزه طبقاتی

و رهایی زنان (۲۳)

۶- ۱۹۰۵ و ۷۷ هزار در سالهای ۹-۱۹۰۸ و ۱۲۵۰۰۰ در سال ۱۹۱۴ بود. در سال ۱۹۰۴، زتکین از سوی رهبری SPD موظف به انجام یک سری تغییرات در شکل و محتوای "برابری" شد تا بدین وسیله مخاطبین بیشتری را جلب نماید. زتکین در سال ۱۹۰۴ در کنفرانس زنان SPD اعلام داشت که از سال آینده (۱۹۰۵) ویژه نامه ای به همراه نشریه برابری منتشر خواهد شد که هدف آن متوجه آموزش و توجه به منافع زنان "خانه دار و مادران" و همچنین مطالب مناسب برای کودکان خواهد بود. این طرح در ژانویه ۱۹۰۵ به مورد اجرا درآمد. ویژه نامه ها به صورت متناوب با عناوین "برابری زنان خانه دار و مادران" و "برابری فرزندان ما" انتشار یافتند. زتکین از شرایطی که برای وی به وجود آمده بود، به نحو احسن استفاده کرد و به توسعه و گسترش دیدگاه های دست زد که در مدارسی که فرزندان کارگران می رفتند، نا دیده گرفته می شد. وی گزیده ای از آثار نویسندگان برجسته انقلابی و نویسندگان ادبیات داستانی را در نشریه "برابری" منتشر می کرد.

یکی دیگر از عرصه های مهم فعالیت جنبش زنان سوسیالیست آلمان، آموزش بود که در آن اکثر رهبران فعال بودند. به طور مثال زتکین به ایراد سخنرانی در زمینه تاریخ فرهنگ در کلوب آموزش زنان در شهر اشتوتگارت می پرداخت. یکی دیگر از رهبران به نام Zeitz مسئولیت اداره کلوب های آموزشی هامبورگ و "باور" و برلین را به عهده داشت، در سال ۱۹۰۵، سه هزار زن در این کلوب ها سازماندهی شده بودند. (سوسیال دمکراسی و رهایی زنان - ص ۱۶۸) از سال ۱۹۰۸، حزب سوسیال دمکرات آلمان (Leseabeude) - در سراسر آلمان را که عمدتاً به آموزش مارکسیسم می پرداختند، به لحاظ مالی تامین می کرد. تعداد زنانی که در این جلسات حاضر می شدند، وسیع بود. در برلین در سال ۱۹۱۰، قریب به ۴۰۰۰ نفر یاب به عبارتی یک سوم زنان عضو حزب بودند. حدوداً ۱۵۰ مکان جغرافیایی، چنین جلساتی برگزار می گردید. (فمینیسم سرکش در جنبش سوسیال دمکراسی آلمان - ص ۱۹۶)

دوره آموزشی در Teltow Beeskow برلین در اواخر سال ۱۹۱۳ و مسایل مورد بحث، شمایی از این جلسات و نحوه کار آنها را نشان می دهند. " موضوع بحث: شالوده علمی جنبش مدرن طبقه کارگر. در این جلسات، شرکت کنندگان با موضوعاتی همچون رابطه رفم اجتماعی با دمکراسی و سوسیالیسم، ایده آلیسم و ماتریالیسم، سوسیالیسم تخیلی و علمی آشنا می شدند. سپس در بی آنها، تحلیل توسعه اقتصادی ماقبل سرمایه داری، منشاء شیوه

خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل

سران رژیم و وزارت خارجه نیز به روال گذشته به تکذیب آن پرداختند. رفسنجانی گفت که این هیاهویی است که از سوی دشمنان رژیم به راه افتاده است که "فصد دارند افکار عمومی دنیای اسلام را نسبت به جمهوری اسلامی ایران بدبین کنند." و سخنگوی وزارت امور خارجه هم گفت "جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه ارتباطی با رژیم صهیونیستی ندارد." اما دیگر برکسی پوشیده نیست که آنها دروغ می گویند. جمهوری اسلامی در گذشته نیز موارد متعددی از چنین معاملاتی با دولت اسرائیل و یا سرمایه داران این کشور داشته است. وزارت امور خارجه رژیم می گوید که جمهوری اسلامی هیچ ارتباطی با رژیم صهیونیستی ندارد. اما اولاً- لازم نیست که دو کشور حتماً با یکدیگر مثلاً مناسبات سیاسی داشته باشند تا مذاکرات و قراردادهای پنهانی داشته باشند. ثانیاً- این روابط میان کشورهای بی مناسبات دیپلماتیک با یکدیگر ندارند، اغلب غیر مستقیم انجام می گیرد.

جمهوری اسلامی به سلاحها و قطعات یدکی تجهیزات نظامی نیاز دارد که خود در داخل ایران قادر به تولید آنها نیست و در ضمن نمی تواند آنها را از روسیه و چین تهیه کند، لذا آنها را باید از آمریکا یا اسرائیل بخرد. برای انجام این کار الزامی نیست که مثلاً جمهوری اسلامی با بوش یا شارون و وزرات خارجه آنها تماس داشته باشد، این کار را مستقیماً از طریق سرمایه داران دو کشور فوق الذکر و با واسطه های بین المللی فروش تسلیحات انجام می دهد و این تسلیحات را به چندین برابر قیمت آن می خرد.

اما به هر حال دولت های آمریکا و اسرائیل می دانند که چه چیزی به جمهوری اسلامی فروخته می شود و جلو آنچه را که نباید فروخته شود می گیرند. پس مسئله به این صورت نیست که شارون از فروش تجهیزات نظامی سرمایه دار اسرائیلی به حکومت اسلامی ایران بی خبر بوده و این تجهیزات نظامی بدون اطلاع دستگاه های نظامی و امنیتی اسرائیل به اسم صدور به تایلند، برای جمهوری اسلامی ارسال می شده اند. هر دو رژیم ارتجاعی اسرائیل و جمهوری اسلامی به آنچه که انجام گرفته و می گیرد واقف اند و تکذیب و انکار آنها چیزی را در این میان تغییر نمی دهد. این هم جزء دیگری از دیپلماسی سری آنهاست.

تولید سرمایه داری، شکل گیری طبقه کارگر و مضمون استثمار سرمایه داری پرداخته و مورد بحث قرار می گرفت. این دوره ها پس از ۱۱ هفته، با بحث حول روش و اهداف مبارزه طبقاتی به اتمام می رسید. (Quataert - ص ۱۹۷)

* زتکین و جنبش بین المللی زنان سوسیالیست، موضوع قسمت بعدی است.

مخالفت بین المللی با جنگ افروزی جدید آمریکا

در حالی که سران دولت آمریکا و دستگاه تبلیغاتی آنها برطبل جنگ می‌کوبند و دیک چینی معاون بوش در جدیدترین موضع‌گیری خود جنگ علیه عراق را اجتناب ناپذیر خواند و مجدداً اعلام کرد که آمریکا مصمم است حکومت صدام را براندازد، مخالفت جهانی در مقابل جنگ افروزی آمریکاشدت گرفته است. مردم سراسر جهان به همواره اعتراض و مخالفت خود را نسبت به جنگ - های ارتجاعی که قدرت‌های امپریالیست جهان برافروخته‌اند، ابراز داشته‌اند. حتی اگر این حقیقت نیز بر همگان روشن نباشد که جنگ همزاد جامعه طبقاتی است و جنگ - های امپریالیستی برای سلطه بر جهان، چپاول و غارت و کسب سودهای هنگفت توسط انحصارات بین المللی است، این مخالفت با جنگ‌های ارتجاعی و امپریالیستی از احساسات ناب انسانی و بشر دوستانه طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش و ستمدیده برمی‌خیزد. لذا بدیهی است که مردم سراسر جهان با تلاش‌های امپریالیسم آمریکا برای برافروختن جنگی جدید علیه عراق، مخالف باشند، حتی در خود ایالات متحده آمریکا که مردم این کشور شب و روز در معرض بمباران تبلیغاتی هیئت حاکمه قرار دارند، اکثراً مخالفت خود را با این جنگ ابراز داشته‌اند.

توده‌های زحمتکش مردم عراق نیز واقف‌اند که هدف امپریالیسم آمریکا نه نجات آنها از فقر و اختناق و استبداد رژیم حاکم بر عراق، بلکه منافع اقتصادی و سیاسی است، لذا جنگ تنها ارمانی که برای آنها به بار خواهد آورد، کشتار و ویرانی است. تجربه یک دهه بمباران‌های آمریکا در عراق به خوبی ماهیت اهداف و ادعاهای دولت آمریکا را بر مردم عراق آشکار نموده است. دولت آمریکا به بهانه مبارزه با صدام، توده‌های مردم عراق را فقیرتر و فقیرتر کرد و آنها را حتی از داشتن مواد غذایی و دارو و امکانات بهداشتی و درمانی محروم نمود. دهها هزارتن از فقیرترین مردم عراق به‌ویژه کودکان در نتیجه محاصره اقتصادی و نبود امکانات غذایی و درمانی جان باختند و میلیونها کودک به‌امراض ناشی از سوء تغذیه مبتلا شدند. پس مردم عراق نه تنها نفعی در این جنگ ندارند بلکه علیه آن هستند. با این همه روشن است که امپریالیسم آمریکا همواره برخلاف خواست و اراده مردم جهان و از جمله مردم آمریکا، به جنگ‌های توسعه طلبانه و جنایتکارانه متوسل شده است. اکنون نیز مسئله به روال گذشته است. هیئت حاکمه آمریکا مستقل از خواست مردم جهان در پی تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی انحصارات آمریکایی است. معضل دولت آمریکا برسر برافروختن یک جنگ جدید در خاور میانه اکنون در آنجایی بروز کرده است که دولت‌های ارتجاعی منطقه و جهان نیز هر یک به دلایلی با

تلاش آمریکا برای آغاز یک جنگ جدید به مخالفت برخاسته‌اند.

قدرت‌های امپریالیست اروپایی، لشکر کشی نظامی آمریکا به عراق و سرنگونی صدام را، سلطه همه جانبه سیاسی - نظامی و اقتصادی آمریکا در تمام منطقه و از دست رفتن سهم خود از بازار منطقه خاورمیانه می‌دانند، چرا که عواقب سیاسی - اقتصادی حمله نظامی آمریکا به عراق به این کشور محدود نخواهد شد، بلکه تمام منطقه و به ویژه کشورهای نظیر ایران، سوریه و لبنان را نیز دربر خواهد گرفت. از همین روست که اتحادیه اروپا به ویژه کشورهای مهم عضو آن نظیر آلمان و فرانسه، مخالفت خود را با استفاده آمریکا از ابزار نظامی برای سرنگونی صدام صریحاً ابراز داشته‌اند. روسیه و چین نیز در چارچوب منافع اقتصادی و سیاسی خود در منطقه با بروز این جنگ مخالفت کرده‌اند. در خود منطقه خاورمیانه، رژیم‌های حاکم بر کشورهای عربی منطقه که همواره متحد آمریکا بوده - اند، از ترس بی‌ثباتی بیشتر و شورشها و قیام‌های توده‌ای، مخالفت خود را با تغییر وضع موجود در منطقه ابراز داشته‌اند و اکنون صریحاً اعلام کرده‌اند که مخالف حمله آمریکا به عراق هستند. این بدان معناست که آمریکا نمی‌تواند از پایگاه‌های نظامی خود در این کشورها در این لشکر کشی استفاده کند و از خدمات لجستیکی و تدارکاتی این رژیم‌ها برخوردار نخواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران بیش از همه رژیم‌های منطقه نگران حمله نظامی آمریکا به عراق و سرنگونی صدام است، چون این به معنای تنگ‌تر شدن حلقه محاصره‌ای است که لاقلاً به زیان جناح مسلط هیئت حاکمه در ایران تمام خواهد شد. در اینجا دیگر وضع به گونه - ای نیست که در جریان حمله آمریکا به افغانستان وجود داشت و جمهوری اسلامی می‌توانست منفعی در سرنگونی طالبان و به قدرت رسیدن گروهی از اسلامگرایان طرفدار خود در آنجا داشته باشد. بنابراین نه فقط مخالف حمله نظامی آمریکا است، بلکه به شدت نگران موقعیت خود نیز هست. دو کشور دیگری که در این منطقه نقش دارند و آمریکا در جریان حمله نظامی خود می‌تواند از حمایت شان برخوردار باشد، ترکیه و اسرائیل‌اند. در این میان به‌رغم اطمینانی که دولت آمریکا در مورد برقراری ثبات و ایجاد یک دولت متمرکز مقتدر در عراق به ترکیه داده است، اما این کشور بهیم دارد که روند تحول اوضاع بدان گونه که آمریکا می‌خواهد پیش‌نبرد و با گسترش ناآرامی‌ها و تنش‌ها به آن بخش از کردستان در ترکیه، این کشور نیز به کام بحران کشیده شود و حتی به استقرار یک کشور جدید به نام کردستان بیانجامد، که این البته نگرانی هم رژیم جمهوری اسلامی و هم طبقه حاکم عراق است. پس تنها اسرائیل است که پیگیرانه خواهان برافروخته شدن جنگی جدید در منطقه است، چون بدین طریق موقعیت خود را در سرکوب هر چه بیشتر مردم فلسطین تحکیم می‌کند. این صرف‌آرایی در مقابل حمله نظامی آمریکا به عراق، در میان خود

هیئت حاکمه آمریکا نیز تاثیر گذارده و به بروز اختلاف برسر این حمله نظامی انجامیده است. در این شرایط، انگلیس که نزدیک‌ترین متحد آمریکا در اروپاست، تلاش‌های دیپلماتیک جدیدی را آغاز نموده تا جرج بوش را از مخمصه‌ای که در آن گیر افتاده است، نجات دهد. معهدا تاکنون نتوانسته موفقیتی به دست آورد و مخالفت جهانی در برابر حمله آمریکا به عراق همچنان وسعت گرفته است. خلاصه این که آمریکا در تلاش خود برای جلب حمایت بین‌المللی به منظور حمله نظامی به عراق با شکست روبرو شده است. با این وجود سران دولت آمریکا هنوز هم از اجتناب ناپذیری جنگ سخن می‌گویند.

جمهوری اسلامی و

خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل

دیپلماسی سری جزیی لاینفک از سیاست خارجی دولت‌های سرمایه داری است. آنها به این دیپلماسی از آن رو نیاز دارند که می‌خواهند زوابع خود را که مغایر منافع توده‌های زحمتکش مردم است از چشم آنها پنهان دارند. همه می‌دانند که حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه داری، جایی که به اصطلاح نظام سیاسی پارلمانی حاکم است، اسناد سری وزارت امور خارجه بعضاً پس از یک ربع یا نیم قرن بعد منتشر می‌شوند و برخی نیز هیچگاه انتشار علنی پیدا نمی‌کنند. این دیپلماسی به رسواترین شکل ممکن به ویژه در آن کشورهایی حاکم است که دیکتاتوری‌های عریان برقرار است و آزادیهای سیاسی مطلقاً از توده مردم سلب شده است.

جمهوری اسلامی در این عرصه نیز نمونه وار است. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی حتی ظاهر سازی‌های مرسوم در کشورهای دیگر وجود ندارد و دیپلماسی یک سره مخفی است. مردم از زوابع‌های رژیم و مذاکراتی که با دولت‌های دیگر دارد، از مفاد قراردادهای و بیامان‌ها اطلاعی ندارند. در اینجا وضع به گونه‌ای است که حتی نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی که دست چین شده و مورد اعتماد رژیم - اند نیز از مفاد برخی قراردادهای با دولتها و انحصارات بین‌المللی بی‌اطلاعند. تعجب آور نبود وقتی که چندی پیش تعدادی از همین نمایندگان مجلس ارتجاع، در پی تشدید تضاد - های درونی رژیم، بی‌اطلاعی خود را از مفاد این قراردادهای اعلام نمودند.

افشای خبر توقیف کشتی حامل تجهیزات نظامی اسرائیل برای جمهوری اسلامی توسط دولت آلمان و بازگرداندن دو کانتینر حاوی زنجیر چرخ نفر بره‌های زرهی به اسرائیل نیز تعجب کسی را برنیا نگیخت. این تنها یک مورد از صدها نمونه زد و بندها و قرار دادهای پنهانی جمهوری اسلامی با دولتها و دیگر انحصارات بین‌المللی است. در گذشته نیز موارد متعددی از این قراردادهای و زوابع پنهانی افشا شده است. در پی افشای خبر توقیف کشتی حامل تجهیزات نظامی اسرائیل برای جمهوری اسلامی در آلمان،

یادداشت‌های سیاسی

بحران‌هایی که ناشی از «آزاد بودن» مردم‌اند!

هفته گذشته خاتمی و وزرای کابینه او یکی پس از دیگری در برابر دوربین‌ها و خبرنگار-نگاران ظاهر شدند تا به مناسبت هفته دولت، شرحی از «خدمات» یک ساله خود را به مردم ارائه دهند. وزیر اطلاعات حکومت اسلامی نیز فرصتی یافت تا او هم همانند دیگر اعضای کابینه به سهم خود در وصف این «خدمات» بگوید. ایشان از اساس منکر شدند که وزارت -خانه‌ای که وی در رأس آن قرار گرفته است، دستگاه کشتار، سرکوب، شکنجه و اختناق حکومت اسلامی است. دستگاهی که همگان می‌دانند در طول تمام دوران موجودیت اش تا به امروز، دهها هزار تن از مردم ایران را شکنجه کرده و سالهای طولانی به بند کشیده، دهها هزار تن را به جوخه اعدام سپرده است و ترور کرده است. بالعکس در وصف آزادی مردم در جمهوری اسلامی سخن گفت و چنان گفت که گویی اساسا وزارت اطلاعات است که مدافع دموکراسی و آزادی و حقوق مدنی مردم ایران است. وی گفت: «در جمهوری اسلامی به دلیل آزاد بودن مردم و نشاط سیاسی، طبیعی است، مردم حق دارند عرض اندام کنند و نظر خود را به گونه‌های مختلف اعلام کنند». پس از این قرار، مردم ایران در جمهوری اسلامی از چنان آزادی برخوردارند که می‌توانند نظر و خواست خود را به اشکال مختلف ابراز دارند و لابد آن را به کرسی بنشانند. مردم ایران هم این سخنان وزیر اطلاعات را شنیدند و به ریش ایشان خندیدند. درست همان کاری را که یک روز پیش از آن با سخنان خاتمی کردند. وقتی که رییس یونسی، یعنی رییس جمهوری حکومت اسلامی به توده‌های کارگر و زحمتکشی که کمرشان زیر فشار مادی و اقتصادی خرد شده است و در شرایطی که اکثریت بزرگ مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند، میلیون‌ها تن گرسنه‌اند، حداقل ۵ میلیون بیکارند و افزایش روز مریه بهای کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره توده مردم، عموم توده‌های زحمتکش را فقیرتر می‌کند، از فتح الفتوحات خود در بهبود اوضاع اقتصادی و شرایط معیشتی توده مردم سخن بگوید و آمار جعلی و ساختگی ارائه دهد، چرا وزیر اطلاعات از آزادی مردم در جمهوری اسلامی و نقش وزارتخانه

اش در پاسداری و حمایت از آن سخن نگویید. بالاخره هفته دولت است و هر عامل و جیره خوار حکومت باید به سهم خود در وصف حکومت اسلامی و «خدمات» دولت سخن بگوید. وزیر اطلاعات حکومت اسلامی با طرح این اراجیف هدف دیگری را نیز دنبال می‌کرد. حالا دیگر همه می‌دانند که جمهوری اسلامی با بحران‌های متعدد و نارضایتی، اعتراض و مبارزه توده‌های روبروست. وزیر اطلاعات حکومت اسلامی ادعا می‌کند که این بحرانها از آن روست که مردم، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از آزادی برخوردار دارند و هرکجا که مردم از آزادی برخوردار دارند، بحران هم وجود دارد. از جمله وی می‌گوید «کشور پر نشاط سیاسی جمهوری اسلامی مانند بسیاری از کشورهای دیگر دارای بحران‌های مختلف اجتماعی است و هیچ کشوری نیست که بحران و تحرک اجتماعی نداشته باشد. . . آنجا که اجازه هست تحرک و بحران هم هست. و چون «در جمهوری اسلامی، مردم آزادند»، در بعضی موارد احتمال دارد که تبدیل به یک بحران اجتماعی هم بشود مثل بحرانهای کارگری و بحران معلمان» به این می‌گویند، تحلیل در خور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی از بحرانها و البته چون این بحران -ها از «آزاد بودن» مردم ایران ناشی می‌شوند، بیش از آن ناچیزند که جمهوری اسلامی از باب آنها نگران باشد و آن قدر اوضاع عادی ست که طی همین چند ماهی که از نیمه اول سال جدید می‌گذرد، وزرات اطلاعات، بیش از ۵۰ جاسوس را شناسایی و دستگیر کرده» و «بیش از یکصد نفر تروریست و شرور شناسایی و دستگیر و بیش از هزار قبضه سلاح جنگی کشف و توقیف گردیده است. و «بحران‌های اجتماعی» را هم «با مدیریت مهار کرده است». معهذا وزیر اطلاعات حکومت اسلامی هم می‌داند که بحران بهجای خود باقی‌ست. آنچه او نمی‌داند و البته قادر به فهم آن نیست، این است که این بحران، بحران پوسیدگی و گندیدگی تمام نظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران است. راه دیگری هم برای حل آن جز یک انقلاب و واژگونی تمام نظم موجود نیست.

صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌ها را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

Organization Of Fedaian (Minority)

No.388 sep 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی